

محمد حسین بحرانی

# طبقه متوسط

و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۲۰ - ۱۳۸۰)  
(پژوهشی در گفتمان‌های سیاسی قشرهای میانی ایران)



## سرآغاز

این کتاب به منظور شناخت و تبیین نقش قشرهای میانی (سستی و جدید) در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۰ خورشیدی نگارش یافته است. برای دست‌یابی به این هدف نقش قشرهای میانی جامعه ایران در کنار سایر گروه‌های اجتماعی در قالب گفتمان‌های سیاسی آن‌ها بررسی شده است.

کتاب در یک مقدمه و پنج فصل تنظیم و ارائه گردیده است: مقدمه شامل ویژگی‌های تحقیق، پرسش‌ها، هدف‌ها و روش انجام آن است. در فصل یکم، نخست مبانی نظری تحقیق مطرح شده است. دیدگاه‌های کلاسیک و نو درباره مفهوم طبقه اجتماعی ارائه شده و سپس تعریفی برای طبقه اجتماعی پیشنهاد شده تا بر اساس آن ساخت طبقاتی جامعه در دوره زمانی تحقیق بررسی شود. سپس با مروری بر دیدگاه‌های مربوط به صورت‌بندی اجتماعی، دولت، جنبش‌های اجتماعی، گفتمان و گفتمان سیاسی، و فضای اجتماعی و بهره‌گیری از آن‌ها، چارچوب نظری تحقیق ارائه شده است. فصل دوم به بررسی ساختار و تحولات قشربندی اجتماعی کشور و ریخت‌شناسی قشرهای میانی در دوره مطالعه اختصاص دارد. در این فصل، پس از مروری بر دیدگاه‌ها و روش‌های

مربوط به قشربندی اجتماعی، نخست دوره زمانی مطالعه بر اساس تحولات و جنبش‌های اجتماعی-سیاسی تأثیرگذار به پنج دوره تقسیم شده، و سپس ساخت قشربندی جامعه در این پنج دوره با دو روش تاریخی و آماری بررسی شده است، و در پایان قشرهای میانی جامعه برحسب سستی-جدید، بالا-متوسط-پایین، و دولتی-غیردولتی گونه‌شناسی شده است. در فصل‌های سوم و چهارم گفتمان‌های سیاسی حاکم و مخالف و ویژگی‌های آن‌ها در دوره زمانی مطالعه معرفی گردیده، باز نمود این گفتمان‌ها در جریان‌ها، احزاب و جنبش‌های اجتماعی مورد بحث قرار گرفته و رابطه میان گفتمان سیاسی و قشربندی اجتماعی بررسی شده است.

سرانجام تحقیق شامل خلاصه‌ای از یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری از آن‌ها است.

این اثر برگرفته از رساله دکتری نگارنده در رشته جامعه‌شناسی است که با عنوان «نقش طبقه متوسط در تحولات سیاسی ایران معاصر با تأکید بر گفتمان‌های سیاسی» از آن دفاع شده و با اندک تغییرات و اصلاحاتی در قالب کتاب حاضر به خوانندگان صاحب‌نظر تقدیم می‌شود. از اینرو بایسته است از بزرگوارانی که در انجام پژوهش یاری‌ام داده‌اند، به‌ویژه آقایان دکتر حسن سرائی و دکتر غلام‌عباس توسلی، سپاسگزاری کنم. همچنین یاد استاد درگذشته، دکتر کریم منصورفر را گرامی می‌دارم. آقای حسین حسینخانی، مدیر محترم انتشارات آگاه مرا به تنظیم کتاب برای نشر تشویق کردند. سپاس ویژه خود را تقدیم ایشان می‌کنم.

## فهرست

۷	سرآغاز
۱۵	مقدمه
۲۹	فصل یکم: رویکرد نظری
۳۰	۱. مبانی نظری
۷۰	۲. پیشنهاد یک چارچوب نظری تلفیقی
۷۹	۳. فرضیه‌ها
۸۱	فصل دوم: ساختار و تحولات قشربندی اجتماعی
۸۲	۱. قشربندی اجتماعی: دیدگاه‌ها و روش‌ها
۹۷	۲. قشربندی و تحولات آن: بررسی تاریخی
۱۲۸	۳. قشربندی و تحولات آن بر اساس وضع شغلی در گروه‌های عمده شغلی
۱۵۲	۴. ساختار و تحولات قشرهای میانی
۱۶۳	فصل سوم: گفتمان‌ها و تحولات سیاسی (پیش از انقلاب اسلامی)
۱۶۴	۱. گفتمان‌های سیاسی
۱۷۶	۲. بازنمایی گفتمان‌های سیاسی در جریان‌ها و جنبش‌های اجتماعی-سیاسی

- فصل چهارم: گفتمان‌ها و تحولات سیاسی (پس از انقلاب اسلامی) ۲۵۹
- ۱. انقلاب ۱۳۵۷: تغییر گفتمان سیاسی مسلط ۲۶۰
- ۲. بازنمایی گفتمان‌های سیاسی در جریان‌ها و جنبش‌های اجتماعی - سیاسی ۲۷۱

فصل پنجم: سرانجام پژوهش ۳۱۳

- ۱. بحث و نتیجه‌گیری ۳۱۶
- ۲. پایان سخن ۳۳۹
- کتابنامه ۳۴۱

فصل پنجم: سرانجام پژوهش

۱. بحث و نتیجه‌گیری

۲. پایان سخن

کتابنامه

این کتاب در پی آنست که در باطن فکری میان گفتمان‌های سیاسی و فرهنگی جامعه را کشف کند و به دنبال آن، تحولات سیاسی و اجتماعی را در چارچوب گفتمان‌های سیاسی تحلیل کند. در این راستا، به بررسی تحولات گفتمان‌های سیاسی در ایران از دهه ۱۳۵۰ تاکنون پرداخته و به دنبال آن، به تبیین نقش طبقه متوسط در تحولات سیاسی ایران می‌پردازد. در این کتاب، تلاش شده است تا با استفاده از روش‌های تحلیلی، به تبیین نقش طبقه متوسط در تحولات سیاسی ایران پرداخته شود. در این راستا، به بررسی تحولات گفتمان‌های سیاسی در ایران از دهه ۱۳۵۰ تاکنون پرداخته و به دنبال آن، به تبیین نقش طبقه متوسط در تحولات سیاسی ایران می‌پردازد.

۱. بحث و نتیجه‌گیری	۳۱۶
۲. پایان سخن	۳۳۹
کتابنامه	۳۴۱

## مقدمه

توجه به غرب و دستاوردهای مدرن آن احتمالاً برای نخستین بار در جنگ‌های ایران و روسیه (۱۸۰۵-۱۸۲۸) برابر با (۱۱۸۴-۱۲۰۷ ش.) از سوی ولیعهد ایران، حاکم آذربایجان و فرمانده ارتش آغاز شد. این گرایش به دلیل نیاز حکومت به اصلاح سازمان ارتش و نظام اداری بود که در اثر شکست‌های ایران به‌طور جدی احساس می‌شد، شکستی که با وجود شجاعت‌های سربازان و فرماندهان، عمدتاً معلول ضعف ساز و برگ نظامی و کهنگی و ناکارایی سازمان ارتش بود. از آن هنگام، بارها از سوی برخی از وزرای حکومت قاجار اقداماتی برای نوسازی و به‌سختی دیگر، استفاده از دستاوردهای مدرن غربی و البته به‌منظور تحکیم حاکمیت دولت صورت گرفت که با موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی هم همراه بود و نتیجه آن‌گام نهادن به عرصه‌ای بود که از آن پس مدرنیزاسیون جامعه نامیده شد.

یکی از پیامدهای این توجه به غرب صنعتی، اعزام دانشجویان به اروپا با هدف آموزش علوم و فنون جدید بود (مرادی و پژوم، ۱۳۵۳: ۹۰-۱۱۵). این اقدام نخست عباس میرزا ولیعهد تا دوران پهلوی ادامه داشت و یکی از عوامل مهم ورود اندیشه‌های نو به ایران بود.

این وقایع تنها یک روی داستان طولانی و پرماجرایی مدرنیزاسیون در ایران است.

روی دیگر به توسعه‌طلبی ذاتی سرمایه و نظام جهانی سرمایه‌داری از یکسو و مشکلات ساختاری نظام اقتصادی-اجتماعی و سیاسی ایران از سوی دیگر مربوط می‌شود. تاریخ اقتصادی-اجتماعی اروپا نشان می‌دهد که اقتصاد سرمایه‌داری از سده شانزدهم در اروپای غربی و مرکزی شکل گرفت که پیامد آن مدرن‌سازی عوامل تولید و روابط حاکم بر آن بود. به گفته والرش‌تاین، یکی از پیامدهای تسلط نظام سرمایه‌داری، جهانی شدن آن و یکی از ویژگی‌های آن «الحاق» بود (والرش‌تاین، ۱۳۷۷: ۳۲۳ و سو، ۱۳۷۸: ۲۳۰). منظور از «الحاق»، گسترش منظم مرزهای بیرونی اقتصاد جهانی از اروپا به سمت بخش‌های دیگر جهان است. «فرآیند الحاق در قرن هفدهم آغاز شد، تا پیش از پایان قرن نوزدهم هیچ نقطه‌ای در زمین باقی نمانده بود که از حیطه عملکرد این نظام بین‌المللی خارج باشد. لذا تاریخ اقتصادی سرمایه‌داری جهانی را از سال ۱۶۰۰ تا ۱۹۴۵ می‌توان با استفاده از دو ویژگی «قطبی شدن» مناطق و «الحاق» تبیین نمود» (سو، همان: ۲۳۱).

کشور ایران در این دوران هم از نظر اقتصادی و هم نظامی ضعیف شده بود به گونه‌ای که گفته شده است «ایران در آغاز سده نوزدهم... یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان بود» (به نقل از باری یر، در فوران، ۱۳۷۸: ۱۷۰). برآیند ضعف درونی و توسعه‌طلبی نظام جهانی، الحاق ایران به نظام جهانی به شکل یک کشور پیرامونی بود. در چنین شرایطی، اقتصاد ایران که در آغاز دوره قاجاریه اقتصادی با ساختار بسته معیشتی و بومی بود و تنها در سطحی محدود و منطقه‌ای در آن داد و ستد صورت می‌گرفت به تدریج به زائده بازار جهانی، از راه روسیه و انگلیس، تبدیل شده بود.

از آغاز سده نوزدهم صادرات کالاهای کشاورزی و دامی و صنایع دستی و واردات کالاهای مصرفی و صنعتی در کشور رواج یافت. با توسعه بازرگانی، نقش بازرگانان محلی در معامله محصولاتمانند ابریشم،

برنج، تریاک، اسب، گلاب، پنبه و... اهمیت یافت. تشکیل تجارت‌خانه‌های بین‌المللی و ارتباط آن‌ها با شعبه‌های خود در کشورهای اروپایی و روسیه و هند به تشکیل گروه جدیدی از بازرگانان و سرمایه‌داران ایرانی انجامید (عبدالله یف، ۱۳۵۶ و بحرانی، ۱۳۷۹). در همین سال‌ها شمار زیادی از ایرانیان فقیر به مناطقی در کشورهای همسایه مانند هرات، کراچی، مسقط، جزایر زنگبار، آسیای مرکزی و به‌ویژه به جنوب روسیه مهاجرت می‌کردند. گروه اخیر به عنوان کارگر در صنایع نفت و مانند آن اشتغال داشتند (عبدالله یف، همان: ۲۲). همراه با این سه جریان، یعنی اعزام دانشجویان به خارج، گسترش بازرگانی، و رفت و آمد نیروی کار، افکار نو و گفتمان‌هایی متفاوت با گفتمان سیاسی مسلط نیز به عرصه اجتماعی و سیاسی ایران وارد شد.

اما، اوضاع اقتصادی-اجتماعی و سیاسی ایران در این دوران تغییر بنیادی نیافته بود. در این سده نیز همانند گذشته، ایران دارای ویژگی‌های یک نظام آسیایی بود: وجود واحدهای روستایی تولیدی جدا از هم با شیوه معیشتی و اقتصاد بسته طبیعی، که معلول وضعیت اقلیمی و فقر طبیعت و کمبود آب بود، مالکیت جمعی زمین به عنوان راه‌حل مشکل کم‌آبی، و رشد نیافتن شهرهای مستقل و مراکز بازرگانی، وحدت سیاست و اقتصاد، و به عنوان دستاورد نهایی این ویژگی‌ها، وجود حاکمیت خودکامه (استبداد شرقی) و شکل نگرفتن هویت فردی در اعضای جامعه.

در چنین نظام اقتصادی-اجتماعی، همبستگی‌ها بیشتر در درون گروه‌های قومی، محله‌ای و یا فرقه‌ای بود. با وجود تفاوت‌های فردی از نظر منزلت، ثروت، قدرت و گوناگونی مشاغل، کشمکش‌های گروهی همراه با موانع جغرافیایی باعث می‌شد که همبستگی‌های افقی میان افرادی که در نظام اقتصادی-اجتماعی موقعیت یکسانی داشتند (مثلاً بازرگانان یک شهر یا شهرهای دیگر، مزدبگیران یک ناحیه یا ناحیه دیگر و...) به وجود نیاید (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۳-۶۴). خلاصه آن‌که سازمان‌های غیرطبقاتی و